

باسمه تعالی

تاریخ ادبیات 2 سوم انسانی بخش سوم

درس پنجم، عصر صائب یا دوره غزل‌گویی و مضمون آفرینی

وضع زبان فارسی در دوره ی صفویان:

از میان حرکت‌های شیعی که از دوره‌های قبل آغاز شده بود، صفویان در قالب مذهب تشیع، سر بر آوردند و ثباتی نسبتاً پایدار در ایران برقرار کردند. آنها مذهب تشیع را در ایران رسمیت دادند و تا مدت‌ها از غرب با امپراتوری عثمانی و از شمال شرق با ازبکان جنگیدند.

*صفویان اهل آذربایجان بودند و سرزمین اجدادی آنها اردبیل بود و به زبان ترکی علاقه داشتند. توجه به زبان ترکی را از دوره های پیش امیرعلیشیر نوایی تشویق کرده بود.

*با حضور علمای عرب زبان شیعه در حوزه‌های علمی، زبان عربی هم مورد توجه قرار گرفت و ناهمواری‌های تازه‌ای در قلمرو زبان فارسی به وجود آورد که بعدها باعث ضعف و بیماری زبان مخصوصاً در قلمرو نثر شد.

وضع عمومی شعر در دوره صفویان:

پس از فروپاشی ایلخانان و همزمان با تیموریان، شعر فارسی از تصرف شاعران باسواد و آگاه خارج شد و در دسترس عامه قرار گرفت.

* نکته مثبت و سودمند این امر، شعر را به میان عامه مردم برد و با مضمون‌ها و قلمروهای تازه‌ای آشنا کرد.

*نکته زیان بار این امر، افراد کم‌اطلاع و عامی به شعر روی آوردند و آن را از استواری و سلامت پیشین خود دور کردند.

علاقه ویژه‌ای که بعضی سلاطین صفوی مثل شاه تهماسب به احیای مفاخر و اندیشه‌های مذهبی داشت باعث شد که ادب فارسی و مخصوصاً شعر به مسیر تازه‌ای وارد شود و آن قلمرو تعلیمات مذهبی و یادآوری مصائب امامان شیعی بود.

قالب شعر در این دوره:

قالب عمده شعر همچنان غزل و موضوع، سخن دل و شاعر و تمنیات او و مضمون غزل، عشق و لوازم آن بود آن هم نه عشق به معبود و معشوق برتر.

مناطق عمده‌ی رشد و پرورش زبان و ادب فارسی خراسان، آذربایجان، نواحی مرکزی ایران و کانون آن اصفهان بود.

در این دوره زبان فارسی در شبه قاره‌ی هند که از نظر فرهنگی و ادبی بخشی از ایران به حساب می‌آمد؛ استحکام لازم را به دست آورده بود.

در دستگاه حکومتی هند، فارسی زبان رسمی بود و با تشویق فرمانروایان این منطقه، کتاب‌های متعددی در تاریخ، تذکره، لغت و ادب به فارسی تألیف شد و شاعران فارسی‌گو که به این منطقه می‌آمدند مورد توجه قرار می‌گرفتند.

عواملی که سبب مهاجرت شاعران ایرانی به هند می‌شد:

* شاعر نوازی و ادب‌گرایی سلاطین بابر و درغوس بی‌مهری شاهان صفوی به شعر و شاعری سبب شد که شاعران با اشتیاق تمام به هند روی آورند.

* شاعرانی که به نیتی جز ستایش امامان و ترویج اندیشه‌های مذهبی به شعر نزدیک می‌شدند در چشم شاهان صفوی جایی نداشتند.

زبان و ادب فارسی در عصر صائب:

* زبان و ادب فارسی در عصر صائب به دو شاخه‌ی هندی و ایرانی تقسیم شد.

* سلاطین بابر و هند (سلسله‌ای ایران دوست) چون اغلب اهل ذوق و قریحه‌ی شعری بودند در جلب نظر مستعدان می‌کوشیدند و این شعر دوستی آن‌ها باعث شد در شبه قاره هند مستعدان به شعر و ادب فارسی گرایش پیدا کنند و آثاری به این زبان به وجود آورند.

* زبان فارسی تا عصر حاکمیت استعماری انگلیس بر هند، رواج روز افزون داشت. و با ادامه اشغال هند از رونق افتاد و به جای آن زبان‌های محلی انگلیسی و اردو جایگزین شد.

مشخصات کلی سبک عصر صائب:

- 1- فزونی تعبیرات و مفاهیمی که در آن دو حس با هم در می‌آمیزند = حس‌آمیزی (سخن شیرین).
- 2- جان‌بخشی به مفاهیم و اشیا بی‌جان = تشخیص.
- 3- استفاده از ضرب‌المثل، تشبیه و تمثیل.
- 4- استفاده از زبان و الفاظ محاوره.
- 5- توجه به تجربیات ساده و روزمره زندگی.
- 6- رواج نوعی حکمت و استدلال عامیانه که حاصل رویگردانی از تجربیات عقلی و تفکر فلسفی سالم بود که نهایت آن رسیدن به نوعی تقدیرگرایی و تسلیم در برابر حوادث بود.
- 7- خیال‌پردازی‌های غریب و بی‌سابقه که ناشی از تلاش برای یافتن مضمون‌های تازه و دور از ذهن بود و در نهایت فهم شعر را برای خواننده دشوار می‌کرد.

شاعران عصر صائب:

- وحشی بافقی (شاعر سوز و گداز): شمس‌الدین یا کمال‌الدین محمد بافقی، شاعر پراحساس قرن 10، اطلاع زیادی از اوایل زندگی وی در دست نیست جز اینکه زاده‌ی بافق (بر سر راه یزد به کرمان) بود. در اوایل عمر مدتی در کاشان مکتب‌دار بود. سپس به یزد رفت و به شاعری و ستایش فرمانروایان آنجا سرگرم شد و 991ه در یزد به خاک سپرده شد.

دلیل برگزیدن نام وحشی، بر خود، نامعلوم است.

وی مردی وارسته، حساس، قانع، بلندهمت و پاکباز بود.

آثار وحشی بافقی:

در روزگار وی مثنوی سرایی به سبک نظامی رواج داشت بنابراین دو مثنوی شیرین خلد برین و ناظر و منظور را به شیوه نظامی سرود.

قصایدی در مدح شاه تهماسب و حکام و امیران یزد به شیوه قدما سرود.

مثنوی ناتمام فرهاد و شیرین هم از اوست که بعدها وصال شیرازی آن را با مهارت تمام کرد.

دلیل شهرت وحشی بافقی :

شهرت وی به دلیل غزلیات اوست که تجربه‌ی یک عشق واقعی را در خود منعکس می کند.

محتشم کاشانی (پدر مرثیه سرایی)

از جمله بازاریانی که در دوره صائب به شاعری روی آورد، کمال‌الدین محتشم کاشانی است. وی بزاز بود و به شاعری علاقه‌مند. وی همزمان با جلوس شاه تهماسب مدیحه‌ای به دربار فرستاد و باعث شد شاه تهماسب شاعران را به ترک مدیحه سرایی توصیه کند و به نظم مرثیه و منقبت امامان شیعه تشویق کند.

محتشم از کسانی بود که به توصیه‌ی شاه تهماسب به اشعار دینی روی آورد و با سرودن مرثیه دوازده بند درباره کربلا، در مرثیه سرایی جایگاه والایی گرفت و بعد از گذشت 4 قرن هنوز در جای خود باقیست.

شاعرانی که بعدها از این مرثیه تقلید کردند:

صباحی بیدگلی، وصال شیرازی و میرزا محمود فدایی مازندرانی.

* شاعری محتشم دو رویه دارد که رویه دوم آن را باید مرثیه و منقبت و به طور کلی شعر دینی دانست.

* در اصل محتشم، شاعری قصیده پرداز و مدیحه سراسر است.

آثار محتشم:

- مرثیه معروف دوازده بند (درباره واقعه ی کربلا).
- جلالیه = مجموعه غزلیات وی که زمینه اصلی آن عشق است.

درس ششم، ادامه شاعران عصر صائب کلیم همدانی (آفرینندهی معنا و مضمون):

میرزا ابوطالب کلیم، معروف به طالب، متولد 990 هـ در همدان، چون مدتی در کاشان اقامت داشت به کاشانی معروف شد. مدتی هم در شیراز به کسب مقدمات علوم پرداخت. در عهد جهانگیر هم به هند رفت و بعد ها نزد شاه جهان عنوان ملک الشعراپی یافت.

در اواخر عمرش مامور به نظم کشیدن مثنوی فتوحات شاه جهان شد. وی با اجازه سلطان در کشمیر مقیم شد و سال 1061 هـ درگذشت.

* شهرت کلیم بیشتر به غزلیات اوست.

امتیاز غزل های کلیم:

- ابداع معانی و خیال های رنگین به غزل او لطف ویژه ای بخشیده.
- ضرب المثل ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال نزدیک کرده، در سخن او برجستگی یافته.
- به کار بردن واژه های هندی، در ذکر حرفه ها و گل هل و گیاهان شعر او را متمایز کرده.

لقب کلیم همدانی:

به دلیل مضمون های ابداعی بیشماری که در اشعار خویش به کار برده، خلاق المعانی ثانی، لقب گرفته است.
* خلاق المعانی اول، کمال الدین اسماعیل است.

صائب تبریزی (شهسوار میدان خیال)

همزمان با به دنیا آمدن میرزا محمد علی صائب، سال 1016 در اصفهان، شاه عباس اصفهان را به پایتختی برگزیده بود و در اوج قدرت به سر می برد و اصفهان مرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی درخشانی شده بود.
پدر صائب از بازرگانان تبریز بود که در دوره ی رونق اصفهان برای تجارت به آنجا رفت و ساکن شد. صائب در همان سال های پررونق اصفهان به تحصیل خط و شعر و ادب پرداخت. بعدها به مکه و مشهد هم سفر کرد.

میرزا محمد علی معروف به صائب و صائب، شغل پدری‌اش را ادامه داد اما این شغل جواب‌گوی نیاز ذوقی وی نبود. بنابراین به هوای تجارت عازم هند که در آن دوران سرزمین معهود شاعران و رویای شیرین اهل ذوق بود؛ شد. صائب پس از 7 سال به سفر خود پایان داد و در اصفهان به حضور شاه عباس دوم رسید و عنوان ملک الشعرائی گرفت. و تا پایان دوره شاه عباس دوم و آغاز روی کار آمدن شاه سلیمان زیست. دو سه سال آخر عمرش در عزلت و فراغت گذشت و دوستدارانش از همه جا به دیدارش می‌شتافتند. سال 1086 هـ درگذشت و در باغی که اکنون به (قبر آقا) معروف است؛ به خاک سپرده شد.

آثار و طرز شاعری صائب:

وی از پرکارترین شاعران دوران خود است.

مجموع ابیاتش = 200000 و بیشتر ذکر شده اما آنچه مانده از نصف این هم کمتر است.

اشعارش عموماً مثنوی، قصیده و غزل است.

آثار وی: مثنوی قندهار نامه، محمود و ایاز و چند قصیده در مدح شاهان و منقبت امامان شیعه.

شاهکار شاعری صائب:

*غزل‌های او که آمیخته‌ای از عرفان و حکمت و معنی آفرینی‌اند. (بعضی از این ابیات چون مثل، نزد عامه زبانزد شده است.)

*صائب، خداوندگار مضمون‌های تازه است.

علت دشواری شعر صائب:

- پیچیدگی فکر و دشواری تعبیر شاعرانه

- تازگی مضمون و تصاویر شاعرانه.

بیدل عظیم آبادی (نقش بندی از دیار هند)

همزمان با اوج شاعری صائب در اصفهان، سال 1054 هـ، در عظیم آباد هند، عبدالقادر به دنیا آمد. بعدها به بیدل مشهور شد و در خدمت یکی از شاهزادگان به نویسندگی مشغول شد و شعر هم می‌گفت و چون شاهزاده از او خواست که در قصیده‌ای او را بستاید از دستگاه او کناره گرفت. مدتی در هند سیاحت کرد و سپس در دهلی اقامت کرد و پس از آن زندگی آرام و باقناعتی داشت و خانه‌اش محل رفت و آمد دوستداران سخن فارسی شد. وی 1133 در 79 سالگی درگذشت.

آثار و سبک شاعری بیدل

آثار وی:

- نکات و مراسلات = آثار منشور وی

- عرفات و محیط اعظم = مثنوی‌های وی

*بیشتر شهرت وی در قلمرو فرهنگ فارسی در هند و افغانستان و تاجیکستان و ایران مدیون دیوان اشعار به ویژه غزلیات خیال انگیز و پرمضمون اوست.

ویژگی عمده شعر بیدل:

مضمون‌های پیچیده، استعاره‌های رنگین، خیال انگیز و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه.

* صائب پهلوان شاعران سبک هندی در داخل ایران و بیدل شهسوار سخن پارسی در خارج از ایران است.